

نقش زنان در ایجاد و تحکیم عفت عمومی از دیدگاه قرآن

مفهوم «عفت»

گرایش به جنس مخالف از گرایشهای طبیعی انسان است که در دوره‌ای از دوره‌های زندگی شروع به ظاهر و خودتمایی میکند و مانند هر میل طبیعی دیگری باید پاسخی در خور یابد. از آنجا که دین و مجموعه قوانینی که از سوی خداوند متعال وضع شده هماهنگ با آفرینش انسان است و در واقع دین راهنمایی است تا انسان بهتر بتواند تواناییهای خود را شکوفا ساخته و به زندگی خود سامان دهد؛ دین نمیتواند با ارضا تمایلات نهفته در انسان مخالف باشد و چنین هم نیست. اسلام همه امیالی که در انسان قرار داده شده را به رسمیت شناخته و اجازه ارضا آن را به انسان داده است. کاری که دین میکند راه صحیح ارضا این تمایلات را به انسان نشان می‌دهد و موارد انحراف از آن را به انسان گوشزد می‌نماید. این امر در همه امیال جریان دارد.



نظم حاکم بر هستی مقتضی آن است که این گرایش در ساختار وجود آدمی جهت دستیابی به هدفی حکیمانه مانند: ایجاد انس و الفت بین افراد و تکثیر نسل آدمی و تداوم زندگی تعبیه شده باشد.^۱ نیل به این هدف زمانی امکان پذیر است که پاسخگویی به این میل و گرایش در چارچوبی که تعبیه کننده آن یعنی خداوند متعال معین کرده صورت پذیرد؛ چنانکه در دیگر گرایشها و امیال بشری مانند میل به غذا، پوشاک، دوستی با دیگران و امیال معنوی، امر چنین است. به عنوان مثال هر چیزی که قابل خوردن باشد را نباید تناول کرد مال حرام را نباید خورد و حد و مرزهای بسیار دیگری که باید رعایت شود. رعایت این حد و مرزها در پاسخ گفتن به امیال «عفت» نام دارد.

فرهنگ نویسان نیز «عفت» را این گونه معنا کرده‌اند: «عَفْ، عَفُ و عَفَا: كَفَّ عَمَّا لَا يَجِلُّ وَلَا يَجْمَلُ مِنْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ؛ یعنی نگاه داشتن نفس از رفتار و گفتاری که روا و نیکو نباشد»^۲ دیگری میگوید «عفت حراست نفس است از تمایلات و خواسته‌های آن»^۳ در کتابهای اخلاق نیز آمده است: عفت به دست آوردن حالتی است که مانع از غلبه خواهشهای نفسانی بر انسان میشود.^۴

چنانکه از مطالب فوق به نظر میرسد رعایت عفت و اطاعت از عقل در پاسخگویی به تمایلات، اختصاصی به تمایلات جنسی ندارد؛ بلکه باید نسبت به تمایلات دیگر نیز چنین باشد و چنین نیز هست. کاربرد قرآنی این واژه نیز این نکته را تأیید میکند، به عنوان مثال در قرآن میخوانیم: «وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ؛ آن کس که توانگر است باید [از گرفتن اجرت سرپرستی] خودداری ورزد و هر کس تهیدست است باید مطابق عرف [از آن] بخورد...»^۵ در کتابهای حدیثی نیز واژه عفت در معنای گسترده خود کاربرد دارد. به عنوان مثال در کتابهای حدیثی آمده

۱- «وَبَرٍّ أَيْبَانَهُ أَنْ حَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَرْوَاحًا لَسْتُمْ عَلَيْهَا بِعَمَلٍ يَنْتَهَمُونَ دَرْخَةً إِنْ يَرُ فَلَكَ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ روم، ۲۱

... حَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَرْوَاحًا وَمِنْ الْأَنْعَامِ أَرْوَاحًا يَلْعَنُونَ فَبِعِزَّتِكَ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهَمُوا فِيهِ لَأَنزِلَنَّ عَلَيْكَ مِنَ السَّمَاءِ طِينًا مَلْغُولًا ذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ...

^۱ - المعجم الوسيط، واژه «عَفْ»

^۲ - التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، واژه «عَفْ»

^۳ - معراج السعاده، ملا احمد نراقی، تهران، انتشارات رشیدی، ص ۲۴۳

^۴ - سوره نسا/ آیه ۶ و سوره بقره/ ۲۷۳

است: «مَا عَيْدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عِقَّةِ بَطْنٍ وَفَرَجٍ؛ خداوند به چیزی پر ارزشتر از رعایت حدود الهی در باره شکم و دامن عبادت نشده است.»^۶ یعنی برترین نشان بندگی رعایت حد و مرز الهی در تامین نیازهای مادی است که شکم و دامن برجسته‌ترین آنها هستند. غرض اینکه رعایت عفاف اختصاصی به مسائل جنسی ندارد بلکه از نظر لغت و اصطلاح معنایی وسیعتر را پوشش میدهد، ولی برخی از اهل لغت کاربرد غالب این واژه را در رعایت حدود الهی نسبت به رفتارهای جنسی دانسته‌اند.^۷ در جامعه امروزی ما نیز کاربرد غالب این واژه در مسائل جنسی است و در این مقاله حاضر نیز به همین معنا بکار رفته است.

حدودی را که نسبت به مسائل جنسی باید رعایت کرد گاه رفتارهای اجتماعی ما را سامان میدهد که نتیجه آن ایجاد و تحکیم عفت عمومی یا اجتماعی است [مقصود ما در این مقاله همین است] و گاه به حیطه خانواده و روابط زناشویی محدود میشود.

ارزش عفت ورزیدن

قرآن کریم در مقام ترسیم شخصیت انسان مومنی که رستگار شده عناصر متعددی مانند خشوع در نماز، خودداری از پرداختن به کارهای بیهوده، پرداخت زکات، امانتداری، وفای به عهد، مراقبت از نماز را دخیل می‌داند. در این میان یکی از این عناصر سازنده شخصیت مومنان رستگار، که بر اساس بیان قرآن چهارمین عنصر می‌باشد، رعایت حدود الهی در تامین نیاز جنسی است که بی توجهی به این حدود را نشانه تجاوز کاری دانسته و مایه ملامت و توبیخ می‌داند. طرح این عنصر در کنار نماز و زکات و امانت داری و دیگر عناصر نامبرده، نشان دهنده اهمیت و میزان ارزش آن است و از تاثیرگذاری این عنصر بر ساختار شخصیتی مومنان رستگار خبر میدهد.^۸ در جایی دیگر خداوند از آماده سازی مغفرت و پاداشی بزرگ برای مردان و زنان با عفت خبر داده است. در روایات نیز از این

^۱ - الکافی، ج ۲، ص ۷۹ [باب العفة ...]

^۲ - المعجم الوسيط، واژه «عَفْ»

^۳ - سوره مومنون، ۱-۷؛ سوره معارج، ۲۹-۳۱

صفت بسیار مدح و ستایش شده و چنین انسانی را به فرشته مانند کرده‌اند. امام علی (ع) می‌فرماید: «مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَ لَكَادَ الْعَيْفُ أَنْ يَكُونَ مُلْكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ؛ جهادگری که در راه خدا به شهادت می‌رسد برتر از کسی نباشد که در اوج قدرت دامن نمی‌آلاید، گویی او که در اوج قدرت آلوده نشود فرشته‌ای از فرشتگان باشد.»^۹

ضرورت بحث

پیروی بی چون و چرا از تمایلات مهم‌ترین حربه‌ای است که دشمن از آن برای از پای در آوردن جوامع اسلامی در طی قرون و اعصار گذشته استفاده کرده است. در دوران معاصر نیز دشمن با دامن زدن به همین امر می‌کوشد توجه جوامع اسلامی را از معارف بنیادین دین سلب و آنها را به خود مشغول نماید تا از این رهگذر بدون دغدغه و نگرانی و بدون مشکلی به اهداف خود دست یابد. توجه به عفاف و پیامدهای آن برای جامعه ما که در معرض این حملات قرار دارد بسان واکنشی است که جامعه را از آلوده شدن به بیماریهای مهلک نجات و جامعه را در برابر بیماریهای بسیاری مقاوم و محافظت می‌نماید.

نقش زنان در ایجاد و تحکیم عفت عمومی

زنان و مردان به شیوه‌های گوناگون می‌توانند در ایجاد و تحکیم عفت عمومی مشارکت داشته باشند. در این مقاله به نقش زنان در این مساله به قدر وسع، سخن می‌گوییم.

مقدمه

توجه به این نکته ضروری است که در جانوران، جنس مونث جایگاهی ویژه و مطلوبیتی خاص نزد جنس مذکر دارد؛ انسانها نیز از این قاعده مستثنی نیستند. آیات متعددی از قرآن و برخی آموزه‌های قرآنی می‌تواند شاهدهی بر این مساله باشد. به عنوان مثال در قرآن کریم آمده است: «زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبٌّ

^۹ - نهج البلاغه، کلمات فصا، ۴۷۴

الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَيْنِ وَالْفَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ؛ دوستی خواستنیها [ی گوناگون] از زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دامها و کشتزار [ها] برای مردم آراسته شده [لیکن] این جمله مایه تمتع زندگی دنیاست و [حال آنکه] فرجام نیکو نزد خداست»^{۱۰} صرف‌نظر از اینکه زینت دهنده اموری که در این آیه به آنها اشاره شده چه کسی باشد این آیه حاکی از آن است که زن در نظر مرد از جلوه دیگری برخوردار و مطلوبیت ویژه‌ای دارد.

بخش پایانی آیه که از این امور به عنوان متاع دنیا نام برده نیز حاکی از مطلوبیت این امور است. زیرا متاع به چیزی که مطلوب و مورد اشتیاق انسان باشد گفته میشود^{۱۱} و چیزهایی که در آیه در عرض «نساء» ذکر شده یعنی پسران و داراییها چنین هستند.

علاوه بر اینکه خداوند در آیات بسیاری مومنان را به زنان بهشتی وعده داده؛ مانند: «إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَاكِهِونَ . هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِونُونَ ؛ در این روز اهل بهشت کار و باری خوش در پیش دارند. آنها با همسرانشان در زیر سایه‌ها بر تختها تکیه می‌زنند.»^{۱۲} و واضح است که وعده جز به امر مطلوب و خواستنی تحقق نمی‌یابد. روایات رسیده در باره خلقت حوا نیز حاکی از توجه و گرایش جنس مذکر به جنس مونث است.^{۱۳}

شهید مطهری نیز می‌فرماید: طبیعت، مرد را مظهر عشق و طلب و زن را مظهر معشوقیت و مطلوبیت قرار داده است. در طبیعت، جنس نر گیرنده و دنبال کننده آفریده شده است.^{۱۴} در مقابل این وضعیت، خداوند متعال زن را به سامانه‌ای مجهز ساخت که بتواند به این نیاز پاسخ گوید برخی از این

^{۱۰} - آل عمران/ ۱۴

^{۱۱} - نثر طوبی، واژه «متاع»

^{۱۲} - یس/ ۵۶؛ دخان/ ۵۱-۵۵؛ طور/ ۲۰؛ و ...

^{۱۳} - مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۳۲۴

^{۱۴} - شهید مطهری، ۴۲۱



امور، جسمانی مانند ظرافت اندام و برخی دیگر روانی، مانند میل به خودنمایی میباشند. شهید مطهری میفرماید: غریزه خودآرایی و شکارچیگری در زن غریزه عجیبی است.^{۱۵} با این تدبیر ابزار سخت افزاری و نرم افزاری تحریک مردان را در دست زنان گذاشته و برای مردان لغزشگاهی خطرناک به وجود آمد^{۱۶} و ابزاری کارآمد در دست دشمن بشریت قرار گرفت تا موجبات لغزش را فراهم آورد و زمینه تمییز سره از ناسره مهیا گردد.

از آنجا که میل به خودنمایی از امیال طبیعی است قطعاً کارکردی حکیمانه دارد و باید در کانالی صحیح هدایت شود که وحی و عقل عهده‌دار این امر هستند. زنان در برخورد با این میل میتوانند به گونه‌ای عمل کنند که به تحریک بیشتر طرف مقابل بیانجامد و میزان لغزش پذیری او را افزایش و مدیریت این میل را به دست هوا و هوس بدهند یا به گونه‌ای عمل کنند که ضمن پاسخگویی به نیازها به سلامت جامعه نیز ضربه نزنند. به منظور هدایت صحیح میل جنسی خداوند متعال تکالیفی برای زن و مرد معین ساخته که در این مجال به بیان تکالیف زنان در این باره می‌پردازیم.

خودداری از اظهار زیباییها

به این منظور خداوند از زنان خواسته بدن خود را بپوشانند و آرایش و زیور خود را بر دیگران آشکار نسازند و در صدد تحریک و جلب توجه مردان نباشند. «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ ... يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْتَبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» و به زنان با ایمان بگو ... پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر

آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد ای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید.^{۱۷}

در این آیه از زنان خواسته عفاف و پاکدامنی پیشه کنند و راه آن را به ایشان نمایانده است. از آنان خواسته آرایش و زیور خود را جز برای همسر، محارم و برخی دیگر که دیدن زیباییهای زن برای آنها جذابیتی ندارد؛ آشکار نسازند. در پایان آیه قدری مساله پوشیده نگهداشتن زیباییها و زیور آلات را توسعه داده و خواسته است کاری نکنند که توجه مردان را به خود جلب کنند و به یک مورد از این رفتارها- گوییدن پاها بر زمین تا زینتی که پیدا نیست آشکار شود- اشاره میکند. شهید مطهری می-فرماید: از این دستور- بخش پایانی آیه- می‌توان فهمید که هر چیزی که موجب جلب توجه مردان میگردد مانند استعمال عطرهاى تند و همچنین آرایشهای جلب نظر در چهره ممنوع است. به طور کلی زن در معاشرت نباید کاری کند که موجب تحریک و تهییج و جلب توجه مردان نامحرم گردد.^{۱۸}

توجه به شان نزولی که برای این آیات بیان شده تاثیر رفتار تحریک آمیز زن در مردان به خوبی نشان داده شده است «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ اسْتَقْبَلَ شَابٌّ مِنَ الْأَنْصَارِ امْرَأَةً بِالْمَدِينَةِ وَكَانَ النِّسَاءُ يَتَّقْنَ خَلْفَ آذَانِهِنَّ فَنَظَرَ إِلَيْهَا وَهِيَ مُقْبِلَةٌ فَلَمَّا جازَتْ نَظَرَ إِلَيْهَا وَدَخَلَ فِي رُقَاتِي قَدْ سَمَّاهُ بِنَبِيٍّ فَلَمَّا فَجَعَلَ يَنْظُرُ خَلْفَهَا وَاعْتَرَضَ وَجْهَهُ عَظْمٌ فِي الْحَائِطِ أَوْ رُجَاجَةٌ فَشَقَّ وَجْهَهُ فَلَمَّا مَضَتْ الْمَرْأَةُ نَظَرَ فَإِذَا الدَّمَاءُ تَسِيلُ عَلَى صَدْرِهِ وَتُوبِهِ فَقَالَ وَاللَّهِ لَا تَبِينَ رَسُولُ اللَّهِ صَ وَالْأَخْبِرْتُهُ قَالَ فَأَتَاهُ فَلَمَّا رَأَى رَسُولُ اللَّهِ صَ قَالَ لَهُ مَا هَذَا فَأَخْبَرَهُ فَهَبَطَ جَبْرَيْلُ عَ؛ از امام باقر(ع) نقل شده است که: جوانی از

^{۱۷} - روایاتی که زنان را ریسمان شیطان خوانده ناظر به این عرصه از وجود انسان است.

^{۱۸} - مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۹۱

^{۱۵} - مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۳

^{۱۶} - روایاتی که زنان را ریسمان شیطان خوانده ناظر به این عرصه از وجود انسان است.

انصار با زنی در مدینه روبرو شد و زنان در آن روزگار پوشش سر خود را به پشت گوشهایشان گره میزدند. پس در حالی که آن زن پیش میآمد آن جوان به او خیره شده بود وقتی از کنار آن جوان عبور کرد جوان به او نگاه میکرد و با همین حال وارد گوجه‌ای شد که به نام کسی نام گذاری شده بود و در عین حال به پشت سر خود می‌نگریست. در این زمان صورتش به استخوان یا شیشه‌ای که از دیوار بیرون زده بود خورد و شکافت. وقتی زن رفت مرد متوجه شد که خون بر سینه و لباسش جاری است. به خود گفت حتما نزد رسول خدا(ص) خواهم رفت و او را از واقعه با خبر خواهم ساخت، و نزد پیامبر رفت. پیامبر از وضعیت او سوال کرد و جوان واقعه را بازگفت. پس جبرئیل نازل شده و آیه غض بصر را نازل فرمود.^{۱۹}

دستور پوشاندن زیبایی‌ها از زنان سالخورده‌ای که مورد رغبت مردان قرار نمی‌گیرند مشروط بر اینکه در صدد جلب توجه دیگران بر نیایند برداشته شده است ولی به آنها نیز گوشزد می‌شود که « وَ أَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ » و عفت ورزیدن برای آنها بهتر است و خدا شنوای داناست.^{۲۰} خداوند در این آیه رعایت عفت را به نفع زنان دانسته است.

در سوره احزاب همین دستور با بیانی دیگر خطاب به دسته‌ای خاص که در جامعه تاثیر گذار هستند مطرح میشود. « يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ... وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛^{۲۱} ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید اگر پرهیزگار باشید،... و در خانه‌هایتان قرار بگیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار نکنید... در این آیات خداوند از زنان رسول خدا(ص) میخواهد برای حضور در اجتماع به گونه‌ای رفتار کنند که نظر دیگران را به خود جلب نمایند و چنانکه پیشتر گفتیم با تکیه بر مشترکات انسانی در اجتماع حاضر شوند در نتیجه لازم است ویژگیهای جنسی پوشیده بماند. در این صورت این بخش از

۱۹ - الکافی، ج ۵، ص ۲۱۸؛ باب ما یحل النظر إلیه من المرأة...]

۲۰ - روایاتی که زنان را ریسمان شیطان خوانده ناظر به این عرصه از وجود انسان است.

۲۱ - احزاب، ۳۲-۳۳

آیه یک پیام بیشتر نخواهد داشت و جمله دوم « وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى » بسان متمم جمله اول « وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ » خواهد بود؛ اما ممکن است گفته شود جمله اول خود حاوی دستوری مستقل است و اصل اولی حضور زن در خانه است ولی اگر خروج وی ضرورت داشت باید به صورتی در جامعه حضور داشته باشد که جلب توجه نکند. شهید مطهری می‌فرماید: مقصود از این دستور زندانی کردن زنان پیغمبر در خانه نیست، زیرا تاریخ اسلام به صراحت گواه است که پیغمبر اکرم(ص) زنان خود را با خود به سفر می‌برد و آنان را از بیرون شدن از خانه منع نمی‌فرمود. مقصود از این دستور آن است که زن به منظور خود نمایی از خانه بیرون نرود و مخصوصا در مورد زنان پیغمبر اکرم(ص) این وظیفه سنگینتر و موکدتر است.^{۲۲}

اهل لغت « تبرج » را چنین معنا کرده‌اند: « تَبَرَّجَتِ الْمَرْأَةُ: أَظْهَرَتْ زِينَتَهَا وَ مَحَاسِنَهَا لِلْجَانِبِ؛ زن زینت و زیباییهای خود را برای بیگانگان آشکار کرد.»^{۲۳} جناب مصطفوی می‌گوید: معنای واحدی که در تمام مشتقات این اصل سریان دارد آشکار شدن و جلب نظر کردن است و در نتیجه هر آنچه آشکار باشد و جلب توجه کند و از اشیا دیگر متمایز باشد عنوان برج بر آن صادق است و به همین اعتبار در موارد متعددی کاربرد دارد از جمله زن زیبای آرایش شده‌ای که محاسن خود را برای بیگانگان آشکار و نظر آنان را به خود جلب کرده باشد.^{۲۴}

اگر چه مخاطب این آیات همسران رسول خدا(ص) هستند ولی چنین نیست که اختصاص به آنها داشته باشد؛ فقط چون آنها در موقعیتی ویژه، یعنی همسری رهبر مسلمانان، قرار دارند و رفتار آنها تاثیری خاص بر جامعه مخصوصا هموعانشان دارد این تکلیف با تاکید بیشتری در باره آنها بیان شده است و به همین دلیل نتیجه عملشان - پاداش یا کیفر- دو برابر اعلام شده است، یکی به ازاء تکلیف عمومی همه زنان و دیگری در مقابل تکلیف خاصی که به خاطر همسری رسول خدا(ص) فقط متوجه

۲۲ - روایاتی که زنان را ریسمان شیطان خوانده ناظر به این عرصه از وجود انسان است.

۲۳ - روایاتی که زنان را ریسمان شیطان خوانده ناظر به این عرصه از وجود انسان است.

۲۴ - روایاتی که زنان را ریسمان شیطان خوانده ناظر به این عرصه از وجود انسان است.

آنان است. در تایید این نکته می‌توان گفت که کسی احتمال نمی‌دهد که دستورهایی که در ادامه آیه آمده است یعنی «وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» ویژه همسران رسول خدا (ص) باشد بلکه متوجه همه زنان است.

قریب به همین نکته یعنی خودداری از اظهار زیباییها و استفاده صحیح از پوشش در آیات ۵۹ احزاب مطرح و به گونه ای دیگر از مشارکت زنان در ایجاد، حفظ و تحکیم عفت عمومی اشاره شده و در این رابطه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوششهای خود را بر خود فروتر گیرند این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است و خدا آمرزنده مهربان است. از این آیات استفاده میشود که رفتار زنان در اینکه با صفت حیا و عفاف شناخته شوند تاثیرگذار است و این رفتار موجب عدم تعرض آنان از سوی بیماردلان می‌شود. زیرا طبیعی است وقتی زنان در رفتار خود عفاف را رعایت کنند زمینه تحریک مردان از بین رفته و فضا برای رفتارهای طبیعی آماده می‌شود.

شهید مطهری می‌گوید: «حرکات و سکناات انسان گاهی زیاندار است. گاهی وضع لباس، راه رفتن، سخن گفتن زن معنی دار است و به زبان بی‌زبانی می‌گوید دلت را به من بده، در آرزوی من باش، مرا تعقیب کن. گاهی برعکس با بی‌زبانی می‌گوید دست تعرض از این حریم کوتاه است.»^{۲۵} ایشان می‌فرماید: «استفاده زنان از رویوشهای بزرگ که بر سر می‌افکنده‌اند دو جور بوده است: یک نوع صرفاً جنبه تشریفاتی و اسمی داشته است همچنانکه در عصر حاضر بعضی بانوان چادری را می‌بینیم که چادر داشتن آنها صرفاً جنبه تشریفاتی دارد با چادر هیچ جای بدن خود را نمی‌پوشانند، آن را رها میکنند وضع چادر سرکردنشان نشان میدهد که اهل پرهیز از معاشرت با مردان بیگانه نیستند و از اینکه مورد بهره برداری چشمها قرار بگیرند ابا و امتناعی ندارند نوع دیگر بر عکس بوده و هست، زن چنان

^{۲۵} - روایاتی که زنان را ریسمان شیطان خوانده ناظر به این عرصه از وجود انسان است.

با مراقبت، جامه‌های خود را به خود می‌گیرد و آن را رها نمی‌کند که نشان می‌دهد اهل عفاف و حفاظ است. خود به خود دور باشی ایجاد می‌کند و ناپاک دلان را مایوس می‌سازد.»^{۲۶}

ایشان می‌فرماید: مطلبی که از این آیه استفاده میشود و یک حقیقت جاودانی است این است که زن مسلمان باید آنچنان در میان مردم رفت و آمد کند که علائم عفاف و وقار و سنگینی و پاکی از آن هویدا باشد و با این صفت شناخته شود و در این وقت است که بیماردلان که دنبال شکار می‌گردند از آنها مایوس می‌گردند و فکر بهره‌کشی از آنها در مخیله‌شان خطور نمی‌کند. می‌بینیم که جوانان و لگردد همیشه متعرض زنان جلف و سبک و لخت و عریان می‌گردند. وقتی که به آنها اعتراض می‌شود که چرا مزاحم می‌شوی، می‌گویند اگر دلش این چیزها را نخواهد با این وضع بیرون نمی‌آید.»^{۲۷}

در مجموع این آیات خداوند برای ایجاد محیط سالم برای زندگی و برقراری عفاف، زنان را از تبرج یعنی حضور با اتکاء به جنسیت زنانه را در مجامع عمومی ممنوع کرده است. یعنی زنان باید با اتکا به وجوه مشترک انسانی با مردان در جامعه حضور پیدا کنند و جامعه محل ابراز زنانگی و مردانگی نباشد. زن و مرد در جامعه انسان هستند و هر کدام برای خانه خود مرد یا زن است.

درباره اینکه چرا دستور پوشش بیشتر متوجه زن است و در موارد متعددی از او خواسته میشود تا خود را ببوشاند شهید مطهری می‌فرماید: «اگر می‌بینیم که وظیفه پوشش به زن اختصاص یافته است از این جهت است که ملاک آن مخصوص زن است. زن مظهر جمال و مرد مظهر شیفتگی است قهراً به زن باید بگویند خود را در معرض نمایش قرار نده نه به مرد. لهذا با اینکه دستور پوشیدن برای مردان مقرر نشده است عملاً مردان پوشیده‌تر از زنان از منزل بیرون می‌روند زیرا تمایل مرد به نگاه کردن و چشم چرانی است نه به خودنمایی و برعکس تمایل زن بیشتر به خودنمایی است نه به چشم چرانی. تمایل مرد به چشم چرانی بیشتر، زن را تحریک به خودنمایی می‌کند و تمایل به چشم چرانی کمتر در

۲۶ - همان، ص ۵۰۳

۲۷ - همان، ص ۵۰۴

زنان وجود دارد لهذا مردان کمتر تمایل به خودنمایی دارند و به همین جهت تبحر از مختصات زنان است.^{۲۸}

نیکو سخن گفتن

یکی دیگر از راههای مشارکت زنان در ایجاد و تحکیم عفاف خودداری از سخن گفتن با نرملی و نازکی زنانه است که موجب تحریک بیمار دلان می‌گردد. قرآن در این باره چنین فرمان میدهد: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّبَعْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا»^{۲۹} ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید اگر پرهیزگار باشید، پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویند. از این آیه می‌توان فهمید که زنان بستر لازم برای بروز و ظهور بی‌عفتی را ایجاد می‌کنند و مردانی را که زمینه بی‌عفتی در وجودشان هست و به تعبیر قرآن از شخصیتی بیمار برخوردارند را به دنبال خود می‌کشند. به عبارت دیگر کلید ابراز وجود این بیماری در دست زن است.

مبارزه اسلام با بی‌عفتی

اسلام به شدت با اطاعت بی‌چون و چرا از تمایلات نفسانی مخالفت کرده و نمی‌پسندد انسان زمام اختیار خود را به دست تمایلات نفسانی بسپارد و طبق فرمان آنها عمل کند. «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِن بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ؟» پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده است آیا پس از خدا چه کسی او را

هدایت خواهد کرد آیا پند نمی‌گیرید.^{۳۰} در این آیه کسی که بدون هیچ قید و شرطی به دنبال هواهای نفسانی گام برمی‌دارد و موجب گشته تا خدا به عنوان کیفر رفتار نادرست وی، ابزار ادراکی وی را مصادره کند مورد مذمت قرار گرفته و گمراه معرفی شده و سرنوشت او را مایه عبرت آموزی دیگران معرفی کرده است.

در آیات دیگری از قرآن بی‌بند و باری در ارضاء شهوت جنسی نهی شده است. اسلام در بدو ظهور خود با بی‌بند و باری در ارضاء تمایلات به شدت مبارزه کرد. روابط نامشروع را تحریم کرد و فرمود: «وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا»^{۳۱} و به زنا نزدیک مشوید چرا که آن همواره زشت و بد راهی است. در این آیه نه تنها از رابطه نامشروع بر حذر داشته حتی فرموده است به آن نزدیک نیز نشوید. در آیات دیگر برای این عمل ناروا کیفر سختی معین کرده و خواستار آن شده است که این کیفر در ملا عام اجرا شود تا مایه عبرت دیگران شود.

نکته پایانی

تاکید مکرر قرآن بر رعایت پوشاندن جاذبه‌های زنانه و ضرورت رعایت حد و مرز پوشش، نشانگر اهمیت موضوع، توجه شریعت به آن و تاثیر گذاری مساله فوق در حیات آدمی است. همچنین حاکی از تاثیر پذیری افزون انسانها از حس دیداری است. به همین دلیل انسان مادی به ویژه در عصر حاضر بیشترین اهتمام را در ترویج برهنگی و سوء استفاده از حس دیداری انسانها دارد.

^{۲۸} - روایاتی که زنان را ریسمان شیطان خوانده ناظر به این عرصه از وجود انسان است.

^{۳۱} - اسراء/ ۳۲.

^{۲۸} - بحرچه آثار، ۱۹، ۱۷۸.

^{۳۱} - احزاب، ۳۲-۳۳.

منابع

قرآن کریم

- رضی، محمد، نهج البلاغه، ترجمه عبدالمجید معادیخواه، نشر ذره، تهران، ۱۳۷۹
- شعرانی، ابوالحسن - قریب، محمد، نثر طوبی، انتشارات اسلامیة، تهران، ۱۳۷۹
- فیومی، احمد، مصباح المنیر، منشورات دار الهجرة، قم، ۱۴۰۵
- کلینی، محمد، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، تهران، ۱۳۸۵
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۱۹، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۸
- مجمع اللغة العربیة، المعجم الوسیط، دار الدعوة، ترکیه، ۱۴۱۰
- نراقی، احمد، معراج السعاده، انتشارات رشیدی، تهران، بی تا
- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، موسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۸

زنان وجود دارد لهذا مردان کمتر تمایل به خودنمایی دارند و به همین جهت تبرج از مختصات زنان است.^{۲۸}

نیگو سخن گفتن

یکی دیگر از راههای مشارکت زنان در ایجاد و تحکیم عفاف خودداری از سخن گفتن با نر می و نازکی زنانه است که موجب تحریک بیمار دلان می گردد. قرآن در این باره چنین فرمان میدهد: «یا نساء النَّبِیِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّبَعْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِیْ فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا»^{۲۹} ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید اگر پرهیزگار باشید، پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویند. از این آیه می توان فهمید که زنان بستر لازم برای بروز و ظهور بی عفتی را ایجاد می کنند و مردانی را که زمینه بی عفتی در وجودشان هست و به تعبیر قرآن از شخصیتی بیمار برخوردارند را به دنبال خود می کشند. به عبارت دیگر کلید ابراز وجود این بیماری در دست زن است.

مبارزه اسلام با بی عفتی

اسلام به شدت با اطاعت بی چون و چرا از تمایلات نفسانی مخالفت کرده و نمی پسندد انسان زمام اختیار خود را به دست تمایلات نفسانی بسپارد و طبق فرمان آنها عمل کند. «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهِهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِن بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است آیا پس از خدا چه کسی او را

۲۸ - محرمه آثار، ۱۹، ۲۷۸

۲۹ - احزاب، ۳۲-۳۳